

بسم الله الرحمن الرحيم

سبک زندگی

و

شخصیت اخلاقی امام رضا علیه السلام

نویسنده: یعقوبعلی عابدینی ژاد

زمستان ۱۳۹۲

چکیده:

۱- دو بعد اساسی همراه با تربیت الهی در شخصیت پیشوایان معصوم وجود دارد. «جامعیت و وحدت»

الف: جامعیت در شخصیت امام رضا(ع): منظور از جامعیت شخصیت، وجود صفات گوناگون اساسی در شخصیت است، پیشوایان معصوم ما و از جمله حضرت رضا(ع) واجد خصوصیات مختلف بودند.

ب: وحدت در شخصیت امام رضا(ع): منظور از وحدت در شخصیت هماهنگی اجزای شخصیت، حاکمیت اصول معین بر رفتار افراد، یکسان بودن واکنش ها در موقعیت های مشابه، عصمت پیامبران و امامان معصوم نیز با وحدت شخصیت در آنها رابطه نزدیک دارد.

۲- امام رضا(ع) در گفتگو با مسئولان مملکت و در برابر مستضعفان یک سلسله اصول و ضوابط را در رفتار خود منعکس می سازد، حضرت رضا(ع) همه جا مدافع اصول و مبانی اسلام است، او پیوسته بر وفق موازین اسلامی عمل می کند. او همه جا از حق ولایت خود و پدران خود دفاع می کند. منطق قوی حضرت رضا(ع) در تمام مباحثشان افراد را مسحور می سازد. امام رضا(ع) به مستضعفان احترام می گذارد و در مقابل مستکبران بی اعتنایی می کند. و پیوسته در حفظ شرف و حیثیت افراد می کوشید.

۳- امام رضا(ع) به اخلاق عالی و ممتاز آراسته بودند، و بدین سبب دوستی عام و خاص را، به خود جلب کردند، از ابراهیم بن عباس صولی نقل شده است که می گوید من ابوالحسن الرضا(ع) را هرگز ندیدم در سخن گفتن، باکسی درشتی کنند، هرگز پاهای خود را جلو همنشین دراز نمی کردند، هرگز در برابر همنشین تکیه نمی کردند، هرگز او را ندیدم که قهقهه بزند، بلکه خنده اش تبسم بود. هرگز او را ندیدم که آب دهان بیندازد.

۴- امام رضا(ع) به نقل از پدرانشان در مورد زهد فرمودند: زهد آن است که حلال دنیا را از ترس حساب و کتاب و حرام دنیا را از ترس عقاب ترک می کند. محمد بن عباد درباره رفتار زاهدانه آن حضرت می گوید: پوشش ابوالحسن(ع) در طول تابستان همواره یک بوریا بود. ایشان در طول زمستان با همه عظمت و وقاری که داشتند و پوششی ساده داشتند.

۵- پرهیزکاری و تقوای امام رضا(ع) طوری بود که نه تنها مردم، بلکه دشمنان نیز به آن اعتراف می کردند، ایشان همه فکر و اندیشه ایشان، حفظ دین خدا و اجرای وظائف الهی بود و نجات خود و مردم را در تقوا، پرهیزکاری و عبادت می دانستند. در مورد امام رضا باید گفت ایشان آسوه ی کامل عبودیت بودند و در این راه به حدی رسیده بودند که ایشان را عاشق عبادت

می دانستند، آن حضرت بسیاری از روزها را روزه داشتند و بسیاری از شبها بیدار بودند، به طوری که امام(ع) در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواندند.

۶- سخاوت امام رضا(ع): سخاوت موجب روشنائی و گرم کردن کانون خانواده و بینوایان می شود و بهترین تعریف درباره سخاوت بیان امام رضا(ع) می باشد که می فرماید: انسان سخاوتمند از غذای دیگران می خورد تا از غذای او بخورند ولی انسان بخیل از غذای دیگران نمی خورد تا از غذای او نخورند. همچنین روایت شده امام رضا(ع) یک سال تمام ثروت خود را در روز عرفه بین نیازمندان تقسیم کردند. فردی به ایشان گفت این گونه بخشش، ضرر است. حضرت فرمودند این گونه بخشش ضرر و زیان نیست بلکه غنیمت است.

شیوه امام رضا(ع) در بخشش طوری بود که حتی که مورد جود و بخشش امام رضا(ع) قرار می گرفت ذره ای احساس شرمندگی نکند.

۷- صبر و مقاومت امام رضا(ع) یکی از اصول مشترک در زندگانی امامان که همواره در زندگی آنها مشاهده گردیده صبر و مقاومت است، این بزرگواران الگوی بزرگ صبر و قهرمان مقاومت بودند. امام رضا(ع) اهل حلم و شکیبایی بودند. دیگران سعی می کردند سکوت کنند. افرادی بودند که نسبت به ایشان بی احترامی می کردند اما این بزرگوار در برابر آنها خاموشی را انتخاب می کردند.

۸- اخلاق و رفتار امام رضا(ع) با خانواده اش: چون امام کاظم(ع) بیشتر عمر شریف شان در زندانها سپری شد، امام رضا(ع) به عنوان پسر ارشد مسئول نگهداری خانواده ایشان بودند، ایشان در این مدت طوری از خانواده شان مراقبت کردند که اجازه ندادند کسی به آنها بی احترامی کند، نهایت احترام را به آنها می گذاشتند و خطرات دشمنان را از آنان دور می کردند. رفتار امام رضا^(ع) با فرزندشان امام جواد^(ع) آن قدر محبت آمیز و توأم با احترام بود که ایشان را به نام صدا نمی زدند بلکه بیشتر با کنیه مورد خطاب قرارش می دادند. به عنوان مثال

می فرمودند ابوجعفر برای من نامه نوشته است.

۹- اخلاق و رفتار امام رضا^(ع) بامردم: امامان با مردم نشست و برخاست داشتند و در تعاملات اجتماعی به نیکوترین صورت با آنان برخورد می نمودند. این سیره چنان نیکو بود که با الگو قرار دادن آنان ما می توانیم روش صحیح برخورد اسلامی با افراد گوناگون را بیاموزیم.

امام رضا^(ع) به عنوان اسوه ی کانون مهر و عاطفه نسبت به بندگان خدا بود، ایشان در جایی که مربوط به شخص خودشان بود بزرگترین گذشت ها، عالی ترین ایثارها و بیشترین محبت را نسبت به دیگران داشتند، به طوری که اگر فردی حتی کوچکترین

خدمتی برای امام رضا^(ع) انجام می داد ایشان نهایت تشکر و قدردانی را به جا می آورد و حتما آن فرد را جبران می نمودند.

۱۰-برخوردهای تربیتی و سازنده امام رضا^(ع): در چشم امام رضا^(ع) همه افراد مقام و ارزش داشتند و به آنان حرمت می گذاشت و برابری انسانها را در حقوق ملاحظه می کرد، از تحقیر انسانها و پست شمردن آنان و توهین و استهزاء، سخت جلوگیری می کرد و شکل و شمایل و رنگ و ثروت و ... ملاک نبود بلکه انسان در نظر او محترم و عزیز بود. حتی غلامان و سیاهان هم مورد عنایت و توجه بودند و با آنان هم به عنوان یک انسان برخورد می کردند.

مقدمه:

امامان شیعه(ع) اسوه و الگوی فکری، اعتقادی و عملی و اخلاقی هستند و راه نجات در پیروی از آنان است و ائمه،(ع) در تمام جهات، برای ما مقتدا و نمونه و «امام» اند، در قول و فعل، در اخلاقیات و اجتماعات و در همه چیز. به فرموده امام علی(ع):

أَنْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالْزِمُوا أَسْمَتَهُمْ وَاتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ [۱]

از بین همه مسائل حیات حضرت علی بن موسی الرضا(ع) و ابعاد گوناگون زندگی

حضرت بُعد «اخلاقی» را برای بحث انتخاب کرده ایم. از مسایل اخلاقی آن حضرت هم، روی موضوعاتی همچون: عبادت، کرم و بخشش، عفو و گذشت، تفقد اصحاب و موالیان قضاء حاجت محتاجان، شیوه مناظره ها و احتجاجهای وی و برخوردهای تربیتی و مکارم اخلاقی دیگر می توان تکیه کرد.

محورها:

۱- جامعیت و وحدت شخصیت امام رضا(ع)؟

۲- مسایل اخلاقی و ادب شخصی امام رضا(ع)؟

۳- مسائل عبادی و ارتباط با خدا؟

۴- برخوردهای تربیتی امام رضا(ع)؟

ویژگیهای شخصیت حضرت رضا^(ع)

علاوه بر تربیت الهی دو بعد اساسی در شخصیت حضرت رضا^(ع) وجود دارد. این دو بعد به صورتی که در شخصیت پیشوایان معصوم وجود دارد در افراد برجسته عادی دیده نمیشود

جامعیت در شخصیت حضرت رضا^(ع)

منظور از جامعیت شخصیت وجود صفات گوناگون و خصوصیات اساسی در شخصیت است ، پیشوایان معصوم ما و از جمله حضرت رضا^(ع) واجد خصوصیات مختلف بودند.

تقوا ، ایثار و از خودگذشتگی ، احترام به افراد بدون توجه به مقام و موقعیت اجتماعی آنها ، مجاهده در راه حق ، علم ، قدرت تفکر ، سعه صدر و التزام به اصول و موازین اسلامی در تمام شئون زندگی اخلاق و ادب ، زهد ، عبادت ، سخاوت ، صبر و مقاومت ، رفتار با خانواده ، رفتار با مردم از جمله خصوصیات است که شخصیت حضرت رضا^(ع) را از دیگران متمایز می سازد.

جامعیت شخصیت از نظر امام رضا علیه السلام

بعد جامعیت را که ما در این جا مورد بحث قرار دادیم در ضمن گفتار آن حضرت درباره ی صفات امام مطرح شده است.

در کتاب تحف العقول صفحه ۴۳۹ از قول عبدالعزیز بن مسلم درباره ی مساله ی امامت و امام و موقعیت او مطالبی از حضرت رضا^(ع) ذکر شده است و ما بخش کوتاهی از این قسمت را که مؤید بعد جامعیت در شخصیت امام است ذکر می کنیم.

«الامام مطهر من الذنوب ، مبرء من العیوب ، مخصوص بالعلم ، موسوم بالحلم ، نظام الدین و عزالمسلمین و غیظ المنافقین و بوار الکافرین ... نامی العلم ، کامل الحلم ، مصطلع بالامر ، عالم بالسیاسة ، مستحق للرئاسة ، مفترض الطاعة ، قائم بامرالله ، ناصح لعباد الله. ان الانبياء والاولياء صلوات الله عليهم يوفقهم الله و يسددهم و يوتيهم من مخزون علمه و حکمته مالا يؤتیه بغيرهم...»

«امام از گناهان پاک و از عیوب مبرا است به علم مخصوص و بردباری موسوم است، نظام دین و عزت مسلمین و خشم بر منافقین و نابودی کفار است. درخت دانش در وجود او بارور است و حلم و بردباری را به سرحد کمال داراست و در مقام امامت کاملاً نیرومند است . از سیاست آگاه است ، سزاوار ریاست است و واجب الاطاعات است قائم به امر خداست و نسبت به بندگان خدا خیرخواه ، پیغمبران و اوصیاء (ص) را خدا توفیق دهد و کمک کند و از مخزن علم و حکمتش به آنها بدهد آنچه دارد به دیگری ندهد.»

در کلمات قصار حضرت رضا علیه السلام نیز جامعیت شخصیت به صورت ده خصلت بیان شده است.

«و قال عليه السلام لا يتم عقل امرء مسلم حتى تكون فيه عشر خصال: الخير منه مامول و الشر منه مامون يستكثر قليل الخير من غيره و يستقل كثير الخير من نفسه. لا يساء من طلب الحوائج اليه و لا يمل من طلب العلم طول دهره.» [۲]

«از او امید خیر باشد، از بدی او درامان باشند، خیر اندک دیگری را بسیار شمارد ، خیر بسیار خود را کم گیرد ، هر چه حاجت از او خواهند دلتنگ نشود، در طول عمر خود از دانشجویی خسته نگردد.»

در میان این ده خصلت مفید بودن به حال دیگران ، تامین نیاز مردم ، تحصیل دانش و کسب فضایل اخلاقی و همچنین اتکا به خداوند ذکر شده است.

وحدت در شخصیت امام رضا علیه السلام

بعد اساسی دیگر که شخصیت امام را از دیگران متمایز می سازد وحدت است. منظور از وحدت در شخصیت، هماهنگی اجزای شخصیت ، حاکمیت اصول معین بر رفتار فرد ، یکسان بودن واکنشها در موقعیتهای مشابه، سازگاری رفتار در مواقع گوناگون وبطور کلی آگاهی فرد از رفتار خود و قابل توجه بودن رفتار در موارد مختلف است. پیشوایان معصوم ما همه به خاطر تربیت الهی از وحدت شخصیت برخوردارند و عصمت پیامبران و امامان معصوم نیز با وحدت شخصیت در آنها رابطه ی نزدیک دارد.

امام جز به حق سخن نگوید، جز بر وفق موازین الهی قدم برندارد، جز در برابر حق تسلیم نشود، پیوسته از حق حمایت کند ، جز حق را نپرستد، جز برای حق اقدام نکند ، برخورد او با دیگران با اصول انسانی سازگار است ، در بحث و تبلیغ از منطق صحیح پیروی می کند و پیوسته طرفدار مستضعفان است. امام جز به معروف امر نمی کند و پیوسته مردم را از انجام منکرات منع می نماید. او همیشه طرفدار عدالت است و ظلم را تحمل نمی کند.

آنچه در این بعد مطرح است بندرت در رفتار افراد عادی دیده می شود. برای روشن شدن اهمیت این بعد مقایسه آن باضد آن سودمند به نظر می رسد. در برابر افرادی که از وحدت شخصیت برخوردارند افرادی تعدد شخصیت دارند. این گونه افراد به خاطر نام و عنوان و گاهی عقیده و وابستگی به مکتب خاص و اشتغال به حرفه ی معین ظاهراً وحدت شخصیت دارند اما مطالعه ی رفتار آنها نشان می دهد که اجزای شخصیت این گونه افراد هماهنگ نیستند. در مقام بحث از عدالت حمایت می کنند اما در عمل حامی ستمگران هستند. در بحث نیز سازگاری و هماهنگی در گفتار آنها دیده نمی شود. آنها در قسمتی از بحث از عدالت

حمایت می کنند اما در قسمت دیگر بحث ، برخلاف عدالت سخن می گویند. در مورد گروهی طرفدار عدالت هستند اما در برخورد به گروه دیگر عدالت را فراموش می کنند. این گونه افراد ظاهراً طرفدار اخلاق هستند اما همه جا موازین اخلاقی را مراعات نمی کنند. در بحث ، از منطق و دلیل سخن می گویند اما بسیاری از عقاید غیر مدلل را مورد حمایت قرار می دهند. آنها ظاهراً طرفدار ارزشهای معنوی هستند اما در عمل دنبال چیزهای بی ارزش می روند. در یک سخنرانی ممکن است چند شخصیت از خود ظاهر سازند. در یک دوره کوتاه از زندگی نیز رفتار متضاد و ناهماهنگ از آنها سر می زند.

بعد وحدت در شخصیت حضرت رضا^(ع) به نحو کامل تجلی می کند. حضرت رضا^(ع) در برابر مامون ، در گفتگو با رهبران مذاهب در برخورد با مخالفان در مقابل خدمتکاران خود، در تماس با خویشان در گفتگو با مسئولان مملکت و در برابر مستضعفان یک سلسله اصول و ضوابط را در رفتار خود منعکس می سازد. حضرت رضا^(ع) در همه جا مدافع اصول و مبانی اسلام است او پیوسته بر وفق موازین اسلامی عمل می کند. او همه جا از حق ولایت و پدران خود دفاع می کند. منطق قوی حضرت در تمام مباحثات افراد را مسحور می سازد. حضرت هیچگاه برخلاف منطق سخنی بر زبان جاری نمی سازد. او در بحث راجع به امور پزشکی ، در بررسی صفات خدا ، در اثبات حضرت علی^(ع) ، در بیان فلسفی احکام ، در بررسی مذاهب و بحث درباره امور کلامی همه جا تابع منطق و دلیل است.

همانطور که در بعد جامعیت بیان شد حضرت رضا^(ع) پیوسته موازین اسلامی و اخلاقی را مراعات می کند. او به مستضعفان احترام می گذارد و در مقابل مستکبران بی اعتنائی می کند. حضرت پیوسته در حفظ شرف و حیثیت افراد می کوشد. او همه جا به یاد خداست ، پیوسته قرآن می خواند ، در اشاعه معارف اسلامی می کوشد ، از حق و عدالت حمایت می کند ، در برابر زمامداران ، خودکامه می ایستد و همه جا زهد و تقوا خود را ظاهر می سازد. گزارش ماموران خدمتکاران ملازمان درباره ی رفتار حضرت رضا^(ع) دلیل بر وحدت و هماهنگی شخصیت آن حضرت هست. [۳]

اخلاق و ادب

اخلاق، یکی از عناصر مهم شخصیت انسان است و کاشف کیفیت ذات ، و درون اوست . امام رضا^(ع) به اخلاق عالی و ممتاز آراسته بودند ، و بدین سبب دوستی عام و خاص را به خود جلب کردند ، همچنین انسانیت آن حضرت یگانه و بی مانند بود و در حقیقت تجلی روح نبوت ، و مصداق رسالتی بود که خود آن حضرت ، یکی از نگهبانان و امانتداران و وارثان اسرار آن به شمار می رفت. از ابراهیم بن عباس صولی [۴] نقل شده ، که گفته است:

من ابولحسن الرضا ^(ع) را هرگز ندیدم در سخن گفتن با کسی درشتی کنند.

من ابولحسن الرضا ^(ع) را هرگز ندیدم سخن کسی را پیش از فراغ از آن قطع کند.

هرگز درخواست کسی را ، که قادر به انجام دادن آن بود رد نفرمودند.

هرگز پاهای خود را جلوی همنشین، دراز نمی کردند.

هرگز در برابر همنشین، تکیه نمی کردند.

هرگز او را ندیدم ، که غلامان و بردگان خود را بدگوید.

هرگز او را ندیدم ، که آب دهان بیاندازد.

هرگز او را ندیدم ، که قهقهه بزند ، بلکه خنده اش ، تبسم بود.

تا آنجا که می گوید : هر که بگوید در فضیلت ، کسی را مانند او دیده ، از او باور نکنید. [۵]

زهد

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام جامع تمام فضائل بودند ، به طوری که تمام صفات عالی در ایشان جمع شده بود .خصایص شریف امام رضا علیه السلام قسمتی از صفات جدش،بزرگترین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود که از میان پیامبران ممتاز بودند. ایشان درباره زهدبه نقل ازپدرشان می فرمودند زاهد آن است که حلال دنیا را از ترس حساب و کتاب وحرام دنیا رااز ترس عقاب ترک میکند.[۶]

محمد بن عباد[۷] درباره رفتار زاهدانه آن حضرت می گوید:پوشش ابوالحسن علیه السلام در طول تابستان همواره یک بوریا بود.ایشان در طول زمستان با همه عظمت و وقاری که داشتند پوششی ساده داشتند و به دور از هرگونه علامت گذاری ویا این که رنگ مخصوصی داشته باشد همیشه لباس زیر به تن میکردند مگر آنکه میخواستند پیش مردم و به دیدن آنها بروند که در آن وقت بهترین لباس خود را می پوشیدند.[۸]

امام می فرمودند:لباس مظهر خارجی انسان است نمی توان نسبت به آن بی توجه بود حرمت مومن ایجاب می کند که انسان در ملاقات با او ، شئون خود و وی را رعایت کند و مقید باشد که پاکیزه و خوش لباس باشد.[۹]

از دلائلی که امام رضا علیه السلام نزد مردم ، لباس خوب می پوشیدند این بود که اگر ظاهر انسان تمیز و پاکیزه باشد ، دیگران از دیدن این فرد لذت می برند و تحت تاثیر وی قرار می گیرند. هم چنان که از دیدن یک انسان کثیف و آلوده حالشان دگرگون می شود. ایشان لباس زیبا و پاکیزه می پوشیدند تا مردم با دیدن ایشان درس نظم و پاکیزگی را در کنار ساده زیستی بیاموزند و از طرفی نشان دهند که مومن در حد شانش می تواند از امکانات این دنیا استفاده کند.همچنین

نقل شده : در محیط خانه ی امام رضا علیه السلام آثاری از زندگی اشرافی وجود نداشت از زیور و زینت استفاده نمی کردند، مگر اینکه خود را به عود هندی خام بخور می دادند.

گوشه گیری از دنیا و ساده زیستی ، برجسته ترین صفات امام رضا علیه السلام بود. تمام راویان متفق القولند که وقتی آن حضرت ولیعهد مامون شدند هیچ توجهی به جنبه ی قدرت و عظمت آن نداشتند. نقل شده زمانی که امام رضا علیه السلام مجبور به پذیرفتن ولایت عهدی شدند ، چون روز عید فرا رسید مامون برای خواندن نماز از امام علیه السلام دعوت به عمل آورده ایشان با ساده ترین پوشش و با لباسی که مخصوص نماز عید بود حاضر شدند ، این لباس عبارت بود از دو قطیفه روی لباس و عمامه ی سفیدی از کتان که به سر بسته بود که یک طرف آن را به سینه و طرف دیگرش را میان دو شانه انداخته بودند عصایی بدست داشتند ، درحالیکه کفش برپا نداشتند. چون همراهان ایشان این وضعیت را دیدند ، آنان هم چون امام راه افتادند.[۱۰]

نمونه ی دیگری از اخلاق امام رضا علیه السلام این بود که در دوران ولایت عهدی و تصدی بالاترین مقام در دولت اسلامی به هیچ یک از غلامانشان دستور نمی دادند که کارهای ایشان را انجام دهند.

روایت شده که وقتی ایشان به حمام نیاز داشتند از این که به کسی دستور بدهند حمام را برای ایشان آماده کنند ، تنفر داشتند و خود کارهای شخصی خویش را انجام می دادند. همچنین ایشان جهت همدردی با مردم به حمام عمومی شهر می رفتند و از نزدیک با مردم معاشرت داشتند.[۱۱]

عبادت

عبادت ، فروتنی در مقابل خداوند است. انسان کامل به هر اندازه به خدا نزدیکتر باشد به همان اندازه خشوع و بندگی اش در مقابل خدا بیشتر می گردد ، چنین کسانی هدفشان در عبادت فقط سپاس نعمت های خداوند و نظرشان به قرب پیشگاه ابدیت می باشد این بزرگترین امتیازات مردان الهی در ارتباط با خداست ، محور اصلی زندگی آنها خدای تعالی و عشق به خداست ، شدت توجه به خدا موجب شده بود که آنها لحظه ای از حق غافل نشوند ، به طوریکه اگر گاهی حالت غفلت در خواب یا بیداری به آنها دست می داد آن را برای خود گناه به حساب می آوردند.[۱۲]

به همین دلیل همواره آنان را می بینیم که در وادی شکر الهی اظهار عجز می کنند و با این همه از خوف الهی انابه می کنند و این نشان دهنده ی تواضع و فروتنی آنها در مقابل ذات احدیت است.

پرهیزگاری و تقوای امام رضا علیه السلام طوری بود که نه تنها مردم ، بلکه دشمنان نیز به آن اعتراف می کردند، ایشان همه فکر و اندیشه ایشان ، حفظ دین خدا و اجرای وظایف الهی بود و نجات خود و مردم را در تقوا ، پرهیزگاری و عبادت کردن می دانستند. چیزهایی که در دنیا وجود داشت ، سبب نشد که ایشان از وظیفه ی

خود دور بیفتد ، ایشان به دنیا علاقه نداشتند و نسبت به آن بی رغبت بودند ، زهد و عبادتشان بی نظیر بود ، همیشه سعی داشتند مردم را به تقوا و عبادت و پرستش خداوند دعوت نمایند.[۱۳] چنان که به برادرشان زید فرمودند: «ای زید از خدا بترس ، آنچه که ما به آن رسیده ایم به وسیله ی همین تقواست هر کس که تقوا داشته باشد و خدا را مراقب خود نداند از ما نیست و ما از او نیستیم»[۱۴]

منابع تاریخی امام رضا علیه السلام را پرهیزگاری می دانند که مکرر به زیارت خانه خدا و انجام مناسک حج و عمره می رفتند ، ایشان به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله علاقه فراوانی داشتند ، بالای قبر پیامبر صلی الله علیه و آله شش یا هشت رکعت نماز می خواندند در رکوع یا سجده ، سبحان الله سه بار یا بیشتر می گفتند، زمانی که نمازشان تمام می شد به سجده می رفتند آنقدر سجده را طولانی می کردند که عرق ایشان روی ریگ های مسجد می ریخت ، صورت مبارکشان را روی زمین یا خاک مسجد می گذاشتند ، دائما در حال عبادت بودند و به عبادت عشق می ورزیدند و برای عبادت خداوند انواع رنج ها را تحمل می کردند.[۱۵]

امام رضا علیه السلام همچون پدر و اجداد پاکشان همواره قبل از هر چیز بنده ی خالص خداوند بودند ، و همه چیز را در بندگی خدا دنبال می کردند در پرتو همین بندگی بود که به ارزش های والای انسانی و مقام های بلند معنوی دست یافتند. عبادت ، رازونیا ، مناجات و سجده های طولانی شان نشان می دهد که ایشان دلداره ی خداست. رابطه تنگاتنگ عاشقانه با ذات پاک خداوند داشتند . یکی از همراهان این بزرگوار در سفر خراسان می گوید: به روستایی رسیدیم ، آن حضرت به نماز ایستادند ، و سجده های طولانی به جای آوردند ، او می گوید: شنیدم امام در سجده می گفتند: «خدایا اگر تو را اطاعت کنم حمد و سپاس مخصوص تو است و اگر نافرمانی کنم حجت و عذری برایم نخواهد بود ، من و دیگران در احساس تو شریکی نداریم اگر نیکی به من رسد از جانب تو است. ای خدای بزرگوار! مردان و زنان با ایمان را در مشرق و مغرب در هر کجا هستند بیامرزد.»[۱۶]

باتوجه به مضمون دعا های ائمه می بینیم دعای امامان ابتدا برای دیگران به خصوص مؤمنان بود بعدا برای خودشان دعا میکردند این نشان دهنده ی آن است که آنها چقدر به فکر دیگران بودند و در حق مردم مهربانی میکردند .

کسی را باتقواتر نسبت به خدای متعال، مثل او ندیده بودم ذکر خدا همیشه برلبانشان جاری بود، همیشه خدا ترس و پارسا بود موقعی که وقت نماز میشد در سجده گاه خود می نشست و سبحان الله ، لاله الله و ذکرهای دیگر میگفتند و بعد از نماز اطرافیان را نصیحت میکردند .

درمورد امام رضا علیه السلام باید گفت ایشان اسوه ی کامل عبودیت بودند و در این راه به حدی رسیده بودند که ایشان را عاشق عبادت می دانستند. آن حضرت بسیاری از روزها را روزه داشتند و بسیاری از شب ها بیدار بودند. به طوری که در زمان ایشان و نه از آن به ، کسی به این درجه نرسید حتی زاهد ترین افراد.

نکته مهم دیگر اینکه امام رضا ^(ع) بسیاری از اوقات شبانه روزیه درس و بحث مشغول بودند، فقه علوم محمدی را به شاگردانشان درس میدادند زیرا ایشان درس را نمونه ای از ذکر و عبادت می دانستند و زمانی که از درس دادن فارغ می شدند به ذکر گفتن خدا می پرداختند. [۱۷]

اباصلت میگوید: من در سرخس به خانه ای که حضرت را تحت نظر گرفته بودند رفتم ، از نگهبان اجازه گرفتم او گفت: حالا موقع رسیدن به حضور ایشان نیست . گفتم چرا ؟ گفت: امام علیه السلام در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند و از نماز ، یک ساعت پیش از ظهر و نزدیک غروب فارغ می شوند و همه اوقاتشان در جای نماز نشسته و مشغول مناجات خدا می شود. ابا صلت به نگهبان می گوید: در همین موقع اجازه بگیر. اتفاقاً اجازه گرفتند من در همان حال که ایشان انتظار نماز را داشتند به حضورش شرف یاب شدم. [۱۸]

اهمیت امام به نماز در سیره ی عملی ایشان کاملاً مشهود است. نقل شده است روزی ایشان با بزرگان ادیان مختلف مناظره داشتند و سخنان زیادی بین امام علیه السلام و حاضران رد و بدل می شد ، جمعیت زیادی در آن مجلس حاضر بودند. زمانی که ظهر شد امام فرمودند: وقت نماز است. یکی از حاضران که عمران نام داشت گفت: سرورم سخنانمان را قطع نکن که دلم آزرده می شود شاید اگر سخنانتان را ادامه دهی مسلمان شوم. ایشان فرمودند نماز می خوانیم و برمی گردیم امام برخاستند و نماز خواندند. [۱۹]

از دیگر ویژگی های آن حضرت این بود که هر دعایی را شروع می کردند صلوات بر آل محمد و آل او می فرستادند در نماز یا غیر نماز بسیار صلوات می فرستادند ، شبها موقعی که می خواستند بخوانند قرآن تلاوت می کردند، موقعی که به آیه ای می رسیدند که در آن از بهشت و دوزخ سخن می گفتند گریه می کردند و می فرمودند: « پناه می برم به خدا از آتش دوزخ. » آن حضرت هر سه روز یکبار تمام قرآن را تلاوت می کردند و می فرمودند « اگر خواسته باشم قرآن را در کمتر از سه روز تمام کنم می توانم ولی هیچ آیه را نخواندم مگر اینکه در معنی آن آیه فکر کنم ، و درباره ی اینکه آن آیه در چه موضوع و در چه وقت نازل شده از این رو هر سه روز قرآن را تلاوت می کنم. » [۲۰]

ایشان هر دعایی که می کردند خیلی زود به اجابت می رسید نقل شده که به مامون خبر داده بودند که امام رضا علیه السلام مجالس علمی مربوط به دین و مذهب تشکیل داده اند و این کار باعث شده مردم به مقام علمی ایشان پی ببرند. مامون فردی را مامور کرد که نگذارد مردم در این مجالس شرکت کنند، امام را نزد خود خواند و نسبت به ایشان بی احترامی و پرخاشگری کرد. ایشان از نزد مامون با ناراحتی بیرون آمدند و در حالی که لب های خود را تکان می دادند و می گفتند: به خدا سوگند او را نفرین می کنم که یاری خداوند از او برداشته شود. موقعی که به خانه رسیدند دو رکعت نماز به جا آوردند. اباصلت می گوید: امام هنوز نمازشان را تمام نکرده بودند که زلزله ای در شهر اتفاق افتاد ، فریادهای زیادی شنیده می شد و گرد و غبار زیادی از زمین بلند شد. اباصلت اضافه کرد من از جایم حرکت نکردم تا امام ^(ع) سلام نماز را گفتند.

بعد از آن بالای پشت بام رفتم و بیرون را نگاه کردم و جز سرهای شکسته چیزی ندیدم بعد از مدتی مامون و لشکرش درحالیکه سرشان شکسته بود را دیدم که با کمال خفت و خواری از شهر بیرون شدند.[۲۱]

از اباصت هروی نقل شده است که روزی امام در منزل خود نشسته بودند ، فرستاده ی هارون الرشید وارد شد و به ایشان چنین گفت: خلیفه شما را به حضور می طلبد. امام رضا علیه السلام برخاستند و فرمودند: ای اباصت او مرا جز برای امر ناگواری احضار نکرده است ولی به خدا سوگند نخواهد توانست آنچه را ناپسند می دارم در حق من انجام دهد زیرا دعای جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله را همراه خود دارم که موجب حفظ جان من خواهد شد.ایشان وارد قصر هارون الرشید می شوند چون نگاه حضرت به هارون افتاد همان دعا را خواندند و در مقابل او ایستادند. هارون الرشید به امام چنین گفت:ای ابوالحسن ، دستور داده ایم یکصد هزار درهم به شما بپردازند تا شما نیازهای خانواده خود را برآورده کنید. چون علی ابن موسی علیه السلام از آن مجلس بیرون رفتند هارون چنین گفت:من خواهان چیز دیگری بودم و پروردگار چیز دیگری اراده کرد و آن چه خدا بخواهد همان شود.[۲۲]

فردی به نام رجاء بن ابی ضحاک[۲۳] در مورد عبادت و مناجات امام رضا علیه السلام چنین می گوید: مامون مرا نزد امام علیه السلام به مدینه فرستاد که ایشان را از مدینه به خراسان نزد وی ببرد ، مامون سفارش کرده بود که مواظب امام باشم. مسیر راه بصره ، اهواز ، فارس ، خراسان بود و خیلی سفارش شده بودند که شبانه روز از ایشان جدا نشوند. وی می گوید من همیشه کنار امام بودم و کسی را با تقوا تر نسبت به خدای متعال مثل او ندیده بودم ، ذکر خدا همیشه بر لبانشان جاری بود ، همیشه خداترس و پارسا بود ، موقعی که وقت نماز می شد در سجده گاه خود می نشست و سبحان الله ، لاله الا الله و ذکرهای دیگر می گفتند و بعد از نماز اطرافیان را نصیحت می کردند.[۲۴] رجاء ابن ابی ضحاک اضافه می کند وقتی ایشان را نزد مامون بردم از من درباره ی احوالات امام پرسید من آنچه را دیده بودم برای او گفتم از رفتار و اعمال ایشان ، رفتن و ماندنشان ، همه ی آنچه که اتفاق افتاده بود. مامون گفت: ای پسر ضحاک این مرد بهترین خلق خدا روی زمین است ، از همه ی مردم دانشش و عبادتش بیشتر می باشد آنچه که از ایشان دیدی نزد کس دیگر نگو تا بزرگواری او بر کسی آشکار نشود مگر از زبان خود من.[۲۵]

سخاوت

از اصول اخلاقی که در زندگی همه ی امامان فراوان دیده شده است جود و سخاوت است. سخاوت در مقابل بخل قرار دارد ، یعنی انسان از امکانات مادی و معنوی که در اختیارش وجود دارد فقط خودش استفاده نکند بلکه با بخشش به دیگران قسمتی از مشکلات آنها را حل کند و دیگران را از نعمت هایی که خداوند به او داده ، چه نعمت مادی و چه نعمت های معنوی مانند علم برخوردار کند.[۲۶]

سقاوت از « سقاء » گرفته شده است و « سقا النار و يسقوها » ، يعنى اين كه اكر خاكستر آتش را از آتش پاى كنيم ، بهتر مى سوزد و روشنائى اش بيشتر مى شود ، بنابر اين تعريف سقاوت كه از همين ريشه است موجب روشنائى و گرم كردن كانون خانواده هاى بينوايان مى شود.[۲۷]

شايد بهترين تعريف درباره سقاوت بيان امام رضا عليه السلام باشد كه فرمودند:

« السخى ياكل من طعام الناس لياكلوا من طعامه و البخيل لا ياكل من طعام الناس لئلا ياكلوا من طعامه انسان سقاوتمند از غذاى ديگران مى خورد تا از غذاى او بخورند ، ولى انسان بخيل از غذاى ديگران نمى خورد تا از غذاى او نخورند. » [۲۸]

در بررسى سيره ي امام رضا عليه السلام ، ويژگى بذل و بخشش بسيار به چشم مى خورد. ايشان ، بسيار صدقه ي پنهانى مى دادند و اموال خويش را بين نيازمندان تقسيم مى نمودند. روايت شده كه ايشان يك سال تمام ، ثروت خود را در روز عرفه بين نيازمندان تقسيم كردند . فردى به ايشان گفت: اين گونه بخشش ضرر و زيان نيست بلكه غنيمت است ، هرگز چيزى را كه به وسيله آن طلب اجر و كرامت مى كنيد ، غرامت و ضرر به شمار نياور.[۲۹]

گزارش شده هر وقت سفره ي غذا را براى امام پهن مى كردند كاسه اى نزديك ايشان قرار مى داند، ايشان از هر نوع غذا مقدارى را بر مى داشتند و در آن كاسه مى ريختند و دستور مى دادند آن را بين فقرا تقسيم كنند. بعدا مى فرمودند:

"فلا اقتحم العقبة؛ [۳۰] باز هم به عقبه تكليف تن در نداد . "

و مى فرمودند: خداوند مى داند كه همه ي مردم قدرت اين را ندارند كه بنده آزاد كنند. براى آنها راه ديگرى قرار داده ، و آن غذا دادن به فقرا است.[۳۱]

شيوه ي امام عليه السلام در بخشش طورى بود كه حتى كسى كه مورد جود امام رضا عليه السلام قرار مى گرفت ، ذره اى احساس شرمندگى نكند . نقل شده كه ايشان در مجلسى با ياران خود مشغول صحبت كردن بودند ، جمعيت زيادى در آن مجلس حضور داشتند كه ناگهان مردى بلند قامت و گند مگون وارد مجلس شد و به حضرت سلام كرد و گفت: من از دوستان پدران و نياكان شما هستم. از حج بر مى گشتم كه خرجى خود را گم كردم، اكر شما به من كمك نماييد تا به وطنم برسم پولى كه شما به من مى دهى، از طرفتان صدقه خواهم داد. حضرت فرمودند: بنشين. بعد از مدتى كه جمعيت پراكنده شدند و جز عده ي كمى باقى نماندند امام به اتاقشان مى روند و بعد از مدت كمى بازگشتند و دستشان را از بالاي در بيرون آوردند و پرسيدند آن مرد كجاست؟مرد جواب داد من در حضور شما هستم. ايشان فرمودند: اين دويست اشرفى را بگير و خرج كن ، لزومى ندارد كه از طرف من صدقه بدهى از نزد من خارج شو تا ترا نبينم و تو نيز مرا نبينى. بعد از رفتن آن مرد ، فردى كه در آنجا حضور داشت به امام رضا عليه السلام عرض كرد: شما نسبت به اين شخص احسان و بخشش نموديد. علت اين كه فرموديد تا شما او را نبينيد و او شما را نبيند چيست؟ايشان فرمودند:از

ترس اینکه مبادا شرمندگی در صورت اوببینم ایا از رسول خدا^(ص) شنیده ای که فرمودند: حسنه مخفیانه باهزار حج برابر است. [۳۲]

این عمل امام^(ع) ما را متوجه مطلبی میکند و آن اینکه اگر انسان وقتی چیزی به بینوایی یا سائلی می دهد بخشش نیست بلکه شکر نعمتی است که خداوند به او داده است. انسان تا موقعی که حقوق واجب اش را نپرداخته در خطر بزرگی قرار دارد . بخشش امام به خاطر دوستی کردن بادیگران نیست بلکه به خاطر شکر کردن نعمتهای خداوند است که به ایشان داده است.

همچنین نقل شده است شخصی به حضرت علی ا بن موسی الرضا^(ع) گفت: به قدر جوانمردی خودتان به من عطا و بخشش کنید. ایشان فرمودند: این اندازه برای من مقدور نخواهد شد . او گفت: پس به اندازه مروت من عطا کن. حضرت فرمودند: این مقدار ممکن میشود پس از این جریان به غلام خودشان دستور دادند تا مبلغ دوپست اشرفی به او بدهند. [۳۳]

تواضع:

علاوه بر نیازمندان، سخاوت امام رضا علیه السلام شامل حال شاعران و دوستداران تواضع امام رضا چنان زیاد بود که زمانی که برای آن حضرت غذا می آوردند، ایشان غلامان و خادمان و حتی درباران و نگهبانان را بر سر سفره می نشاندند و با آنها غذا میخوردند. همچنین نقل شده زمانی که آن حضرت تنها می شدند همه ی خادمان و غلامان خودشان را از کوچک و بزرگ جمع می کردند و با آنان سخن می گفتند و با آنها انس می گرفتند به طوری که غلامان آن حضرت هیچ ترسی از ارباب و مولای خود نداشتند. [۳۴]

تواضع امام به اندازه ای بود که بعضی مواقع مردم ایشان را نمی شناختند و ایشان را از افراد معمولی تمیز نمی دادند. نقل شده است که روزی ایشان وارد حمامی می شوند مردی آنجا بود که ایشان را نمی شناخت به امام می گوید بیا مرا مشتش و مال بده. حضرت شروع به مالیدن دست و پای او کردند زمانی که ایشان را شناخت ، عذرخواهی کرد ولی امام او را دلداری دادند. [۳۵] ادب و تواضع امام رضا علیه السلام نسبت به دیگران به اندازه ای بود که اگر فردی بر امام وارد می شد ایشان به خاطر احترام گذاشتن به آن فرد از جایشان برمی خاستند و او را در مناسب ترین مکانها جا می دادند. [۳۶]

صبر و مقاومت

یکی از اصول مشترک در زندگانی امامان که همواره در زندگی آنها مشاهده گردیده صبر و مقاومت است این بزرگواران الگوی بزرگ صبر و قهرمان مقاومت بودند.

در بررسی زندگی امام رضا علیه السلام می بینیم که ایشان نیز همچنین دیگر امامان ، نمونه کامل این صفت اخلاقی بودند شاید بتوان از موقعیت های دشواری که ایشان با آن روبه رو شدند زمانیکه مامون این بزرگوار را به خراسان دعوت کرد نام برد.

ایشان برای وداع خانه خدا به مکه رفتند، لحظه جدایی آن حضرت از فرزندش ابی جعفر محمد بن علی جواد^(ع) بود که ایشان با دلی استوار و مطمئن به قضا و قدر الهی این مصیبت را تحمل کردند. شکیبایی و بردباری آن حضرت در دوره خلافت مأمون در برابر سیاستهای مرموز و پشت پرده او به ویژه جریان ولایتعهدی، درجه صبر و تحمل آن حضرت را برای ما آشکار می کند. [۳۷]

امام رضا^(ع) در دوران زندگیشان و زندانی بودن پدر بزرگوارشان، مکرر سعه صدر از خود نشان می دادند و مراقب اهل و عیال پدرارجمندشان بودند. ایشان اهل حلم و شکیبایی بودند. در برابر افرادی که با ایشان ستیزه و نزاع داشتند حلم و صبر می ورزیدند. در برابر دهن گجی های دیگران سعی میکردند سکوت کنند. افرادی بودند که نسبت به ایشان بی احترامی میکردند. اما این بزرگوار در برابر آنها خاموشی را انتخاب می کردند. [۳۸]

اخلاق و رفتار امام رضا (علیه السلام) با خانواده

رفتار امام رضا^(ع) با خانواده در مدت سی و پنج سال امامت امام موسی کاظم^(ع) با حوادث و فراز و نشیب های سیاسی آمیخته بود. بیشتر زندگانی ایشان در زندان های هارون الرشید سپری شد. امام رضا علیه السلام در تمامی مدتی که امام کاظم علیه السلام زندانی بودند دستیار و پشتوانه ی استوار پدر در حوادث سیاسی - فرهنگی بودند. شریک غم ها و رنجهای پدرشان بودند هرگز در برابر قدرت طلبان هوسباز، خودشان را تسلیم نکردند. ایشان راه پدر را ادامه دادند و مردم را به شدت از یاری رساندن و کمک به خلفای طاغوتی دور می کردند. چون امام کاظم علیه السلام بیشتر عمر شریفشان در زندانها سپری شد، امام رضا علیه السلام به عنوان فرزند ارشد مسئول نگهداری خانواده ایشان بودند، ایشان در این مدت طوری از خانوادهشان مراقبت کردند که اجازه ندادند کسی به آنها بی احترامی کند، نهایت احترام را به آنها می گذاشتند و خطرات دشمنان را از آنان دور می کردند علاقه حضرت به خانوادهشان در محبتی که به امام جواد^(ع) داشتند نیز قابل ملاحظه است. قبل از تولد امام جواد^(ع) فردی به امام رضا^(ع) می گوید شما کودکانتان را دوست دارید پس از خداوند بخواهید که پسری به شما عطا کند. حضرت فرمودند: خداوند پسری به من خواهد داد که وارث من می شود هنگامی که ابا جعفر^(ع) متولد شدند، حضرت در طول شب گهواره ایشان را حرکت می دادند و با او بازی می کردند. امام فرزندشان را آنقدر دوست می داشتند که شب را نمی خوابیدند و گهواره امام جواد^(ع) را حرکت می دادند. به ایشان عرض شد آیا مردم با پسرانشان چنین رفتار می کنند؟ حضرت فرمودند این پسر مانند عامه مردم نیست و به دنیا آمدن و رشد نمودن او مانند ولادت پدران پاکش است. [۳۹]

رفتار امام با فرزندشان امام جواد^(ع) آنقدر محبت آمیز و توأم با احترام بود که ایشان را به نام صدا نمی زدند بلکه بیشتر با کنیه مورد خطاب قرارش می دادند. به عنوان مثال می فرمودند: ابو جعفر برای من نوشته است و من برای ابو جعفر نوشتم. [۴۰] بدین ترتیب می خواست ایشان را احترام و تمجید کنند.

نمونه ی دیگر علاقه و وابستگی امام رضا^(ع)، محبتی بود که به حضرت معصومه^(ع) داشتند.

اخلاق و رفتار امام رضا علیه السلام با مردم

امامان با مردم نشست و برخاست داشتند و در تعاملات اجتماعی به نیکوترین صورت با آنان برخورد می نمودند. این سیره چنان نیکو بود که با الگو قرار دادن آنان ما می توانیم روش صحیحی برخورد اسلامی با افراد گوناگون را بیاموزیم.

با بررسی آیات در می یابیم برخورد انسانهای مختلف باید هماهنگ و متناسب با روحیه ی آنها باشد خداوند عزوجل در قرآن فرموده است:

"محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم"؛ [۴۱] محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سخت و شدید و در میان خود مهربانند.

در آیه ی دیگر چنین فرموده است: "يا ايها النبي جاهد الكفار والمنافقين و اغلظ عليهم"؛ [۴۲] ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر.

از این آیات چنین نتیجه گیری میشود که برخورد قرآن و اسلام با انسانهای مختلف فرق میکند. در بعضی جاها دستور به برخورد نیک و پرمحبت میدهد، «با مردم سخن نیک بگویند» [۴۳] و در جای دیگر دستور به برخورد میانه میدهد: «محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سخت و شدید و در میان خود مهربانند.» [۴۴]

امام رضا علیه السلام به عنوان اسوه کانون مهر و عاطفه نسبت به بندگان خدا بود. در زیارت آمده است: السلام علی الامام الرئوف؛ (سلام بر امام و پیشوای با رأفت و مهربان) این لقبی است که از طرف خداوند به ایشان داده شده است. ایشان بیشترین محبت و مهربانی را نسبت به مردم و اهل خانه و خدمت گزاران نشان داشتند. در روزی که ایشان مسموم شدند و در آن روز به شهادت رسیدند بعد از اینکه نماز ظهر را خواندن به فردی که نزدیکشان بود فرمودند: مردم (منظور اهل خانواده، کارکنان و خدمت گزاران نشان بودند) غذا خورده اند؟ آن فرد جواب داد: آقای من در چنین وضعیتی کسی میتواند غذا بخورد؟ در این لحظه که امام علیه السلام متوجه میشوند کسی غذا نخورده، می نشینند و دستور آوردن سفره ای را می دهند همه را سر سفره دعوت می کنند و آنها را یکی یکی مورد محبت قرار می دهند. [۴۵]

ایشان در جایی که مربوط به شخص خودشان بود بزرگترین گذشتها، عالی ترین ایثارها و بیشترین محبت را نسبت به دیگران داشتند. رفتار عملی امام رضا علیه السلام نشانه انسانی کامل و نمونه است که هیچ علاقه ای به دنیا و ظواهر آن ندارد.

اگر فردی حتی کوچکترین خدمتی برای امام رضا علیه السلام انجام میداد، ایشان نهایت تشکر و قدردانی را به جا می آوردند و حتما خدمت آن فرد جبران می نمودند. آن حضرت به مستضعفان و گرفتاران توجه خاصی می کردند، اگر آنها گرفتاری و ناراحتی داشتند، سعی میکردند مشکل آنان را حل کنند. زیاد بودند افرادی که در سایه یاری رسانی های امام^(ع) به خیری دست یافتند.

برخوردهای تربیتی و سازنده امام رضا(ع)

منظور از این عنوان، مواردی است که حضرت رضا(ع) در معاشرتها و مقاطع گوناگونی که با افراد مختلف، برخورد داشت. به نحوی عمل می کرد که سازنده و تربیت کننده باشد و با عمل خود اسلام را در رفتار خویش نشان

می داد. بخشی از این حوادث را به عنوان نمونه با عناوین مختلف ذکر می کنیم تا نشان دهنده «هدف تربیتی» و «روش سازنده» ای باشد که در رفتار آن حضرت وجود داشته است.

۱- ارزش قائل شدن برای انسان

در چشم امام رضا(ع) همه افراد، از نظر انسانی مقام و ارزش داشتند و به آنان احترام می گذاشت و برابری انسانها را در حقوق ملاحظه میکرد، از تحقیر انسان ها و پست شمردن آنان و توهین و استهزاء، سخت جلوگیری می کرد و شکل و شمایل و رنگ و ثروت و ... ملاک نبود. بلکه «انسان»، در نظر او محترم و عزیز بود. حتی غلامان و سیاهان هم مورد عنایت و توجه او بودند و با آنان هم به عنوان یک انسان برخورد می کرد. رعایت حقوق بشر، در رفتار امام رضا(ع) در حدّ اعلای آن بود. ذکر نمونه هایی از این گونه برخوردها مفید است:

راوی: یاسر، خادم امام رضا(ع) است:

امام رضا(ع) به ما فرمود:

«اگر من بالای سر شما ایستادم و شما در حال غذا خوردن بودید، بلند نشوید، تا این که از غذا خوردن فارغ شوید. گاهی حضرت، یکی از ما را (برای انجام کاری) صدا می کرد. وقتی گفته می شد: مشغول غذا خوردن است،

می فرمود: بگذارید تا غذایش را بخورد، بعد...» [۴۶]

راوی: نادر، خادم آن حضرت:

«هرگاه یکی از ما مشغول صرف غذا بود، امام رضا(ع) او را به کاری نمی فرستاد و به کار نمی گرفت، تا از غذا خوردن فارغ شود.» [۴۷]

ملاحظه: آنان که خادم، سرایدار، محافظ، دفتردار، منشی، شاگرد، همسر و دارند، در نحوه برخورد با این افراد، باید برای آنان هم «حق» قائل شوند و بدون رعایت حال آنان، از آنان کار نکشند و دنبال کارها نفرستند. و توجه داشته باشند که اگر چه آنان، از جان و دل، خدمتگزاری می کنند و حتی گاهی آسایش و سلامت و جان خویش را در راه دیگری به خطر می اندازند، اما ارزش انسانی دارند و احساسات بشری آنان و حقوقشان باید ملاحظه و رعایت گردد، و چنین فکر نشود که آنان خلق شده و استخدام شده اند تا برای اینان کار کنند. نباید ضرورت های اجتماعی را ملاک و مبنای تغییر ناپذیر و پذیرفته شده قرار داد.

راوی: مردی از اهل بلخ:

«همراه امام رضا(ع) در سفرش به خراسان بودم. روزی سفره غذایی طلبید و همه خدمتکاران و غلامان را(از سیاهان و دیگران) سر سفره جمع کرد.

گفتم: جانم به فدایت، کاش برای اینان سفره ای جدا قرار می دادی!

فرمود: دست بردار خدا یکی است، پدر و مادر همه یکی است، پاداش هم(در قیامت) به اعمال است.»[۴۸]

راوی: ابراهیم بن عباس: در حدیثی مفصل از اخلاقیات آن حضرت:

«... و هرگاه که تنها می شد و سفره ای گسترده می گشت، تمام بردگان و غلامانش و حتی دربان و کارپردازِ خانه

(سائس) را هم بر سر سفره می نشاند»[۴۹]

راوی: یاسر، خادم حضرت:

«امام رضا(ع) هرگاه تنها می شد(فارغ از کارهای رسمی و تشریفات) تمام دور و بری های خود را از کوچک و بزرگ پیرامون خود جمع می کرد، با آنان حرف می زد، با آنان انس می گرفت، آنان هم با وی مأنوس می شدند. و هرگاه بر سفره می نشست، همه "کوچک و بزرگترها را صدا می کرد، حتی کارپرداز(سائس) و حجام را بر سفره

می نشاند...»[۵۰]

ملاحظه:نشست و برخاست با مستضعفین و غلامان، عملاً درس برابری انسانها را دادن است، و این که خود را از مردم جدا نمی کرد و تافته جدا بافته نمی دانست و زندگی و اخلاق مردمی داشت، الهام از سیره رسول خدا بود که چنین می کرد.

مهمانی به خانه حضرت رضا(ع) آمد.شب بود. حضرت با او به گفتگو نشسته بود که چراغ، خراب شد. آن مرد، دست دراز کرد که آن را درست کند حضرت جلوگیری کرد و خودش اقدام به اصلاح چراغ نمود. سپس فرمود: ما قومی هستیم که از مهمان کار نمی کشیم.[۵۱]

راوی: ابوهاشم الجعفری:

«در مجلس امام رضا(ع) بودم. بسیار تشنه شده بودم. هیبت آن حضرت مانع شد که در مجلس و حضور او آب بطلبم. خود آن حضرت آبی طلبید و یک جرعه از آن نوشید و فرمود:

ای ابا هاشم! بنوش! که آب خنگ و گوارایی است. و من هم نوشیدم. پس از مدتی باز هم تشنه ام شد. حضرت، نگاهی به خدمتکار کرد و فرمود: شربتی از خاکه قند! سویق[۵۲] را تر کن و بعد از آن شکر بر آن بپاش. و

فرمود:

ای اباهاشم بنوش، که این تشنگی را برطرف می کند.» [۵۳]

راوی: حسین بن موسی بن جعفر:

«ما عده ای از جوانان بنی هاشم بودیم که پیرامون امام رضا(ع) نشسته بودیم. جعفر بن عمر علوی به ما گذر کرد، در حالی که آشفته و پریشان بود. ما به یکدیگر نگاه کردیم و به ریخت و قیافه او خندیدیم. امام رضا(ع) فرمود: بزودی خواهید دید که او ثروتمند و معتبر خواهد شد، چند ماهی نگذشت که والی مدینه شد و حالش نیکو گردید و بر ما می گذشت، در حالی که همراهش، غلامان و مرکبها بودند.» [۵۴]

۲ - موضعگیری در مقابل بستگان فاسد

از نکات مهم، آن است که حضرت رضا(ع) اگر در یکی از بستگان خویش، خلاف و انحراف را در مسایل اخلاقی یا سیاسی یا اعتقادی می دید، تذکر می داد، انتقاد می کرد، موضع می گرفت و صرف خویشاوندی باعث نمی شد که آن حضرت، از تذکر و نهی از منکر و داشتن موضع، خودداری کند.

بستگان آن حضرت، هرگز نمی توانستند از خویشاوندی با او سوء استفاده کنند چون حضرت، این اجازه و مجال را به آنان نمی داد. حتی بعضی را طرد می کرد و افشا می نمود تا امر بر مردم مشتبه نشود و مردم بدبین نشوند و خلافهای آنان را به حساب امام نگذارند. به برخی از این گونه برخوردها توجه کنید:

راوی: یاسر، خادم آن حضرت:

« زیدبن موسی، { برادر امام رضا(ع) } در مدینه خروج کرد و دست به کشتار و آتش سوزی (در خانه بنی عباس) زد. از این جهت به " زیدالنار " معروف بود. مامون کسانی را در پی او فرستاد. او را گرفتند و پیش مامون آوردند. مامون گفت: او را پیش امام رضا (ع) ببرید.

چون او را نزد آن حضرت آوردند، حضرت به او فرمود: ای زید! آیا سخن گذشتگان کوفه مغرورت کرده است که گفته اند: فاطمه (ع) چون عفاف ورزید، خداوند، ذریه او را بر آتش حرام کرد؟ این سخن فقط در باره حسن و حسین(ع) است. اگر خیال می کنی که گناه کنی و وارد بهشت شوی و موسی بن جعفر(ع) هم که اطاعت خدا را کرده وارد بهشت شود، پس با این حساب، تو نزد خدا گرامیتر از موسی بن جعفر(ع) هستی؟! به خدا سوگند، هیچ کس به پاداش خدا نمی رسد مگر به اطاعت او. اگر خیال می کنی که تو با معصیت خدا به پاداش می رسی، گمان بدی کرده ای زید.. گفت: من برادر تو و پسر پدرت هستم.

حضرت فرمود: تو تا وقتی برادر منی که خدای متعال را اطاعت کنی، نوح (ع) به خدا عرض کرد: پسر من از خانواده من است و وعده ی تو راست می باشد، خداوند فرمود: ای نوح! او از خاندان تو نیست، او عمل غیر صالح است: «یا نوح انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح - هود ۴۶» خداوند او را بخاطر معصیتش از خاندان نوح اخراج کرد. [۵۵]

ملاحظه : می بینیم که حضرت با برادرش که دست به ارتکاب خلاف زده، این گونه برخورد تند می کند تا هم موضع خود را روشن کرده باشد، هم خطای اندیشه برادر را گوشزد کند و هم " ملاک " هارا بیان نماید. برخورد حضرت با « زیدالتار » به چند صورت دیگر هم نقل شده است .

راوی : عمیر بن برید

« نزد امام رضا (ع) بودم. سخن از عموی آن حضرت (محمد بن جعفر) به میان آمد و حضرت او را یاد کرد (یا : از او یاد شد)

فرمود : بر خود عهد کرده ام که من و او را ، سقف خانه ای سایه نیفکند (یعنی او را هرگز دیدار نکنم) پیش خود گفتم : او (امام رضا (ع)) ما را به نیکی و صله رحم فرمان می دهد، ولی خودش در باره عموی خود، چنین می گوید!

حضرت نگاهی به من کرد و فرمود: این، از نیکی و صله رحم است. هر وقت که او نزد من آید و من به خانه اش بروم و در باره من سخنانی بگوید، مردم او را (بخاطر این دیدار و رابطه با من) تصدیق می کنند و حرفهایش را می پذیرند، ولی اگر پیش من نیاید و من به خانه او بروم، مردم حرفهایش را نخواهند پذیرفت. [۵۶]

ملاحظه : در این حدیث، علاوه بر کرامت حضرت رضا در دانستن آنچه در قلب عمیر بن برید گذشته، و علاوه بر اصلاح فکر و رای او، دقت حضرت را در پیوندها و رابطه ها و آثار جنبی و تاثیرات اجتماعی نوع رابطه ها و رفت و آمدهایش می رساند. و همه نشان دهنده هدفداری حضرت، در همه ی برخوردهایش می باشد.

۳-ارجگذاری برای «تقوا»

راوی : محمد بن موسی بن نصر رازی، از پدرش:

« مردی به امام رضا (ع) گفت: به خدا سوگند، در روی زمین، کسی از نظر پدر، به شرافت تو نمی رسد. حضرت فرمود: تقوا به آنان شرافت بخشیده و طاعت خدا آنان را بالا برده است.

مرد دیگری به آن حضرت گفت: بخدا، تو بهترین مردمی! حضرت فرمود: فلانی! قسم مخور، بهتر از من کسی است که در برابر خداوند، با تقواتر و مطیع تر باشد. بخدا سوگند، این آیه نسخ نشده است: « و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم » [۵۷]

{ملاک ارزش را در تقوا دانستن}

۴ - برخورد منطقی

تکیه بر منطق و کلام عقل پسند، در دلهای مستعد و بی مرض و غرض، موثر می افتد. احتجاجات مفصل حضرت رضا (ع) با پیروان فرق و مذاهب و مخالفان گوناگون، و استدلالها و برخوردهای منطقی او، بسیاری را به " راه " آورد و در برابر " حق "، قانع و خاضع ساخت و این شیوه موثر اخلاقی، حتی گاهی دشمنانی چون خوارج را هم رام می کرد. به این نمونه توجه کنید:

راوی: محمد بن زید رازی

« در خدمت امام رضا(ع) بودم، در ایامی که مامون او را به ولیعهدی معرفی کرده بود. مردی از خوارج، در حالی که در دستش خنجر زهرآگین بود وارد شد و به دوستانش گفت: به خدا سوگند، پیش این شخص که مدعی است فرزند پیامبر است می روم، او این گونه وارد بر این طاغوت (یعنی مامون) شده است! از او دلیل کارش را خواهم پرسید. اگر دلیلی داشت که هیچ، وگرنه مردم را از دست او (امام رضا ع -) راحت خواهم کرد.

پیش امام آمد و اجازه طلبید، امام، اذن داد و فرمود: به سؤالت با این شرط جواب می دهم که اگر پاسخم را پسندیدی و قانع شدی، آنچه را که در آستین داری (خنجر) بشکنی و دور اندازی!

آن مرد که از خوارج بود، حیرت زده ماند، خنجر را بیرون آورد و شکست. آنگاه پرسید: چرا به حکومت این طاغوت وارد شده ای، در حالی که اینان در نظر تو کافرنند و تو پسر پیامبری، چه چیز تو را به این کار وا داشته است؟

امام رضا (ع) فرمود:

آیا به نظر تو اینان کافرترند، یا عزیز مصر و اهل کشور او؟ مگر نه این که اینان، خود را موحد می شمارند، ولی حکام مصر، نه یکتا پرست بودند و نه خداشناس؟!

یوسف، پسر یعقوب(ع)، پیامبر و پسر پیامبر بود که عزیز مصر گفت: مرا مسئول خزائن مملکت قرار بده... و با فرعونها نشست و برخاست می کرد. در حالی که من یکی از اولاد پیامبرم (نه پیامبر) و مامون هم مرا بر این کار، اجبار و اکراه کرده است. چرا بر من خشم می گیری و این را زشت می شماری؟

آن مرد گفت: بر تو اشکالی نیست گواهی می دهم که تو فرزند پیامبری و تو صادق هستی. «[۵۸]

۵ - نظارت بر کار خادمان

زیر نظر داشتن رفتار و اعمال و زیر دستان، و تذکرات و هشدارهای لازم به آنان، از جمله دقتهای دیگر امام رضا(ع) بود. چه در مورد اعمال فردی شان، چه در مورد رفتار با دیگران.

به این دو مورد توجه کنید:

راوی: یاسر، خادم حضرت

« غلامان یک روز میوه خورده بودند، ولی بدون این که آن را کامل بخورند، دور انداخته بودند.

حضرت رضا (ع) به آنان فرمود:

سبحان الله! اگر شما از آن بی نیازید، کسانی هستند که به آن محتاج اند. آن را به کسی بدهید که نیازمند آن است»[۵۹]

در مورد نهی از اسراف هم این روایت مناسب است

راوی: سلیمان بن جعفر الجعفری

"طبق فرموده حضرت رضا (ع) بنا شد شب پیش وی بمانم. غروب هنگام، به اتفاق آن حضرت، وارد خانه شدیم. حضرت، نگاهی به غلامانش کرد، که با گل، اسطبل چهار پایان را درست می کردند. و یک سیاهپوستی هم که جزء آنان نبود، مشغول به کار بود. پرسید: این کیست که با شماست؟ گفتند: به ما کمک می کند، ما هم در آخر چیزی به او می دهیم. پرسید: آیا اجرت و کار مزد او را معین کرده اید؟ گفتند: نه. هر چه که بدهیم او راضی می شود. حضرت با شلاق، در حالتی که غضب آلود رو به آنان حرکت کرد و آنها را می زد، گفتم: فدایت شوم، چرا خود را ناراحت می کنید؟ فرمود: من چند بار اینان را از این کار نهی کرده ام و گفته ام که کسی را به کار نگیرید مگر این که قبلاً مزد و اجرت او را با او قرار داد ببندید. بدان که: هیچ وقت کسی را بدون اجرت معین به کار نمی گیری مگر این که اگر سه برابر اجرت هم به او بدهی، باز خیال می کند که کم داده ای، ولی اگر قبلاً طی کنی، و بعد، همان اجرتش را بدهی، تو را خواهد ستود بر این وفای به عهد، و اگر یک دانه هم اضافی بدهی. آن را می شناسد و می داند که زیادتیر به او داده ای (و در نظرش خواهد بود)» [۶۰]

ملاحظه: گرچه برخی احتمال داده اند عصبانیت امام بخاطر راه دادن افراد مشکوک به منزل بوده و جنبه سیاسی داشته است، ولی به نظر می رسد علت پرخاش و غضب امام، بیشتر آن بود که غلامان، به حرف آن حضرت گوش نکرده و بی توجهی نمودند و علیرغم توصیه مکرر امام در مورد تعیین مقدار دستمزد کارگر در اول کار، باز هم خودسرانه و بدون اجرای نظر امام، اقدام به چنان کاری کرده بودند و مستحق توبیخ و تنبیه بودند.

۶ - چند حدیث تربیتی

۱ - عن الرضا (ع):

« مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَلَسَّ عَلَيْهِ سَلَامَهُ عَلَى الْاَغْنِيَاءَ لَقِيَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانِ » [۶۱]

« هر کس به یک مسلمان فقیر، طوری سلام دهد که متفاوت باشد با سلامش بر ثروتمندان، خداوند را در روز قیامت به گونه ای ملاقات می کند که خدا بر او خشمناک است. »

« لَا تَبْذُلْ لِاخْوَتِكَ مِنْ نَفْسِكَ مَا ضَرَّرَهُ عَلَيْكَ أَكْثَرَ مِنْ نَفْعِهِ لَهُمْ » [۶۲]

« از خود، به اندازه ای برای برادرانت بذل مکن که زیانش بر تو، بیش از سودش برای آنان باشد. (مایه گذاشتن از آبرو و امکانات) »

۲ - به نقل آن حضرت از رسول خدا (ص): « مَنْ حَقَّ الضَّيْفُ أَنْ تَمْشِيَ مَعَهُ فَتُخْرِجَهُ مِنْ حَرِيمِكَ إِلَى الْبَابِ » [۶۳]

« از جمله حقوق مهمان بر تو آن است که (هنگام رفتنش) او را تا دم درب همراهی کنی »

۳ - در مورد نعمت شناسی و نیکی به مردم

ج

راوی: علی بن شعیب:

« خدمت امام رضا(ع) رسیدم، به من فرمودند: یا علی! من احسن الناس معاشاً؟ قلت: انت یا سیدی اعلم به منی فقال (ع): من حسن معاش غیره فی معاشه. یا علی! من اسوء الناس معاشاً؟ قلت: انت اعلم. قال: من لم یعش غیره فی معاشه. یا علی! احسنو جوار النعم فانها وحشیة، مانات عن قوم فعاتت الیههم. یا علی! ان شر الناس من منع رفته واکل وحده و جلد عبده "[۶۴]

« ای علی! چه کسی از نظر زندگی بهتر است؟ گفتم: شما به آن داناترید، سرورم! فرمود: هر کس که زندگی دیگری در زندگی او نیکو باشد. ای علی! چه کسی از نظر زندگی بدتر است؟ گفتم: شما داناترید. فرمود: کسی که دیگری، در معاش او زندگی نداشته باشد. ای علی! همسایگی نعمتها را نیکو سازید، زیرا نعمتها وحشی و گریز پای اند، هرگز از قومی دور نشد که بر گردد. ای علی! بدترین مردم کسی است که بخشش خود را از دیگران منع کند. و تنها بخورد و برده خود را تازیانه بزند.»

ملاحظه: احادیث اخلاقی و تربیتی از حضرت رضا(ع) فراوان است. اما علّت انتخاب و نقل این چند حدیث در این بحث، آن است که محتوای آنها، برخوردهای عملی و شیوه های اخلاقی و سیره رفتاری را در زندگی یک مسلمان مطرح می سازد، نه صرف تعلیم اخلاقی.

جزوه ی سبک زندگی و شخصیت اخلاقی امام رضا (علیه السلام)

تهیه و تنظیم: یعقوبعلی عابدینی نژاد

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی مشهد مقدس.

زمستان ۱۳۹۲

پی نوشت

[۱]. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۹۲

[۲] کتاب تحف العقول صفحه ۴۴۳.

[۳]. کتاب مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضا(علیه السلام) جلد سوم، ص ۱۲۳

[۴]. از اصحاب رضا علیه السلام بود

[۵]. محمد باقر مجلسی، المکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۷۱، ص ۹۱-۹۰ علی بن عیسی، الاربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۱۵۷-۱۵۶.

[۶]. ابن بابویه، صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، علی اکبر غفاری، ج ۱، ص ۶۲۸.

[۷]. از یاران و محاصران امام رضا علیه السلام بود.

- [۸]. علی بن عیسی الاربلی ، کشف الغمه ، ج ۳ ، ص ۱۵۷.
- [۹]. ر.ک باقر شریف ، قرشی ، پژوهشی دقیق در زندگی علی بن موسی الرضا ، سید محمد صالحی ، تهران ، دارالکتب اسلامیة ، ۱۳۸۲ ، ص ۶۰-۵۹.
- [۱۰]. ر.ک محمد بن محمد ، مفید ارشاد ، هاشم رسولی محلاتی ، تهران ، نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۸ ، ج ۲ ، ص ۳۷۲-۳۷۳.
- [۱۱]. ر.ک باقر شریف ، قرشی ، پژوهشی دقیق در زندگی امام رضا علیه السلام ، ج ۱ ، ص ۵۷.
- [۱۲]. ر.ک سید هاشم ، رسولی محلاتی ، مجموعه آثار نخستین کنگره جهانی حضرت رضا ، ناشر کنگره امام رضا ، ص ۴۲۵-۴۲۶.
- [۱۳]. ابن بابویه ، صدوق عیون اخبار الرضا ، علی اکبر غفاری ، ج ۲ ، ص ۵۷۳.
- [۱۴]. همان ، ج ۲ ، ص ۴۲۱.
- [۱۵]. ابن بابویه ، صدوق عیون اخبار الرضا ، علی اکبر غفاری ، ج ۲ .
- [۱۶]. محمد باقر مجلسی ، بحار النوار ، ج ۴۹ ، ص ۹۳-۹۳ .
- [۱۷]. ر.ک حسین عمادزاده ، مجموعه زندگانی چهارده معصوم ، ص ۱۰۶۴ .
- [۱۸]. ر.ک ابن بابویه ، صدوق عیون اخبار الرضا ، علی اکبر غفاری ، ج ۲ ، ص ۴۳۱-۴۳۲ .
- [۱۹]. ر.ک محمد تقی ، مدرسی ، امامان و جنبش های مکتبی ، حمیدرضا آژیر ، چاپ اول ۱۳۶۷ ، مشهد ، آستان قدس رضوی ، ص ۲۸۱ .
- [۲۰]. ر.ک ابن بابویه ، صدوق ، عیون اخبار الرضا ، علی اکبر غفاری ، ج ۲ ، ص ۴۲۰ .
- [۲۱]. ر.ک ابن بابویه ، صدوق ، عیون اخبار الرضا ، علی اکبر غفاری ، ج ۲ ، ص ۴۰۲ .
- [۲۲]. ر.ک محمد تقی ، مدرس ، امامان و جنبش های مکتبی ، ص ۲۴۸ .
- [۲۳]. گماشته ودایی مامون.
- [۲۴]. ر.ک. ابن بابویه ، صدوق ، عیون اخبار الرضا ، علی اکبر غفاری ، ج ۲ ، ص ۴۲۱ .
- [۲۵]. ر.ک. ابن بابویه ، صدوق ، عیون اخبار الرضا ، علی اکبر غفاری ، ج ۲ ، ص ۴۲۱ .
- [۲۶]. ر.ک. محمد اشتیاردی ، اصول اخلاقی امامان ، قم ، دفتر تبلیغات اسلامی ، ص ۵۳ .
- [۲۷]. ر.ک. همان ، ص ۵۴ .
- [۲۸]. ر.ک. محمد باقر مجلسی ، بحار النوار ، ج ۴۹ ، ص ۱۰۲ .
- [۲۹]. ر.ک. محمد امین ، سیره معصومان ، حجتی کرمانی ، سروش ، ۱۳۷۴ ، ص ۱۵۰ .

- [۳۰]. سوره بلد ، آیه ۱۱ .
- [۳۱]. ر.ک. مجلسی ، محمد باقر ، بحار الوار ، ج ۴۹ ص ۹۷ ، حسین عمادزاده ، چهارده معصوم ، ص ۱۰۶۵ .
- [۳۲]. ر.ک. مجلسی ، محمد باقر ، بحار النوار ، ج ۴۹ ، ص ۱۰۰-۱۰۱ .
- [۳۳]. ر.ک. مجلسی ، محمد باقر ، بحار النوار ، ج ۴۹ ، ص ۱۰۰ .
- [۳۴]. محمد امین ، سیره معصومان ، علی حجتی کرمانی ، ص ۱۴۹ .
- [۳۵]. محمد باقر ، مجلسی ، بحار النوار ، ج ۴۹ ، ص ۹۹ ، محمد جواد ، فضل الله ، تحلیل از زندگی امام رضا علیه اسلام ، ص ۴۳ .
- [۳۶]. محمد جواد فضل الله ، تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام ، ص ۴۵ .
- [۳۷]. ابن بابویه ، صدوق ، عیون اخبار الرضا ، ج ۲ ، ص ۵۲۶ .
- [۳۸]. عمادالدین حسین اصفهانی مشهور به عمادزاده، مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۰۶۴
- [۳۹]. محمد باقر ، بهبهانی ، جواد الائمه، ترجمه ابراهیم سلطانی نسب صیام ، اول ذیقعه ، ۱۳۸۱ ، ص ۱۷ .
- [۴۰]. باقر شریف ، قرشی ، پژوهشی دقیق در زندگانی امام رضا علیه السلام ، ۱۳۸۲ ، ج ۱ ، ص ۵۱ ، ابن بابویه ، عیون اخبار الرضا ، ج ۲ ، ص ۵۹۶ .
- [۴۱]. سوره فتح ، آیه ی ۲۹ .
- [۴۲]. سوره توبه ، آیه ی ۷۳ .
- [۴۳]. سوره بقره ، آیه ی ۸۳ .
- [۴۴]. سوره فتح ، آیه ی ۲۹ .
- [۴۵]. ابن بابویه ، صدوق ، عیون اخبار الرضا ، علی اکبر غفاری ، ج ۲ ، ص ۴۹۸
- [۴۶]. بحارالانوار، ج ۴۹ ص ۱۰۲؛ (به نقل از الکافی، ج ۶/۲۹۸)
- [۴۷]. همان.
- [۴۸]. بحار، ج ۴۹، ص ۱۰۱؛ (به نقل از الکافی، ج ۴ ص ۲۳)
- [۴۹]. بحار، ج ۴۹، ص ۹۱؛ (به نقل از: عیون اخبار الرضا، ج ۲ ص ۱۸۴)
- [۵۰]. بحار، ج ۴۹، ص ۱۰۲؛ حدیث ۲۰، (به نقل از کافی، ج ۶ ص ۲۸۳)
- [۵۱]. بحار، ج ۴۹، ص ۲۲۰ و ۳۳؛ (به نقل از: عیون، ۲/۲۰۹)
- [۵۲]. سوبق، کوبیده گندم یا جو و امثال آن است. آن را خیس می کرده اند و با شکر و آب، معجونی گوارا درست کرده و می خوردند.

- [۵۳] . بحار، ج ۴۹، ص ۴۸. (به نقل از: الخرائج و الجرائح)
- [۵۴] . بحار، ج ۴۹، ص ۲۲۰ و ۳۳
- [۵۵] . بحار، ج ۴۹، ص ۲۱۷، حدیث ۲. (به نقل از عیون ۲/۲۳۴)
- [۵۶] . بحار، ج ۴۹، ص ۳۰ حدیث ۳، ص ۲۲۰، حدیث ۶، به نقل از عیون ۲۲۰۴
- [۵۷] . بحار، ج ۴۹، ص ۹۵. (به نقل از عیون ۲/۲۳۶)
- [۵۸] . بحار، ج ۴۹، ص ۵۵. (به نقل از: الخرائج و الجرائح، ص ۲۴۵)
- [۵۹] . بحار، ج ۴۹، ص ۱۰۲، (به نقل از: الکافی ۶/۲۹۷)
- [۶۰] . بحار، ج ۴۹، ص ۱۰۶. (به نقل از: الکافی ۵/۲۸۸)
- [۶۱] . مسند الامام الرضا(ع)، ج ۱، ص ۲۹۹، (به نقل از عیون ۲/۵۲)
- [۶۲] . مسند الامام الرضا (ع)، ج ۲، ص ۳۱۴، (به نقل از من لایحضر ۳/۱۰۳)
- [۶۳] . مسند الامام الرضا(ع)، ج ۲، ص ۳۳۱. (به نقل از عیون ۲/۶۹)
- [۶۴] . مسند الامام الرضا(ع)، ج ۲/۳۱۵، به نقل از تحف العقول ۳۳۰